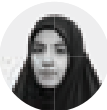


خاموشی، چراغی روشن



پرونده

یکی از تخلص های «مولانا» که رحمت خدا بر او یاد، «خמוש» است و در توصیه به خاموشی در اشعارش بیان می‌کند: «خاموشی بحرست و گفتن همچو جو/بحر می جوید تو را، جو را مجو.» او گزیده‌گویی و سخن‌نگفتن یا کسانی که درکی از درد او ندارند را ارجح می‌داند به سخن های بیهوده و مکالمه با افراد ناآشنا با دردش. سعدی نیز در حکایت‌هایش در ارزشمندی خاموشی سخن گفته است: «خردمند کسی است که وقتی زبان به سخن می‌گشاید که گفتارش حکمت‌آموز باشد و وقتی دست به سوی غذا می‌برد که خوردنش مایه تندرستی باشد.» در معنای لغوی صمت و سکوت شاید تفاوت چندانی پیدا نکنیم، اما در کاربرد

آن‌ها در بیان بزرگان ادب و عالمان دینی تفاوت‌هایی وجود دارد که آن‌ها را از یکدیگر متفاوت می‌کند. به این صورت که سکوت ترک کلام به‌طور مطلق است، ولی «صمت» به‌معنی ترک‌سخن گفتن در اموری است که هیچ هدف صحیحی را در پی ندارد (ترک ما لا یعنیه) و آنچه برای راهروان راه حق و راهبان راه خدا و علاقه‌مندان به پاکیزگی و تهذیب نفس ضروری است، بیشتر «صمت» است، نه «سکوت». در این یادداشت توجه ما بیشتر به آفات زبان به‌عنوان امری است که ما را از تأمل و تفکر دور می‌کند.

همه این موارد در کنار توصیه‌هایی که دین ما درباره «صمت» و «سکوت» و کم‌گویی و گزیده‌گویی بیان کرده است، ما را به این نکته متوجه می‌کند که از خود بیرسیم مگر در خاموشی و گزیده‌گویی چه حکمتی نهفته است و با انجام این توصیه به چه دستاوردهایی می‌رسیم. از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده است: «اکثر صمتک ینتوفر فکرت و یستر قلبک و یسلم الناس من یدک؛ بسیار خاموشی برگزین تا فکرت زیاد شود و عقلت نورانی شود و مردم از دست (و زبان) تو سالم بمانند!» در اسلام بر رعایت حقوق مردم تأکید شده است. برای همین، انجام هر کاری که موجب خیر و راحتی دیگران شود نیز مدح شده است. گاهی سکوت ما می‌تواند اثراتی باورنکردنی داشته باشد. همان‌طور که در کلام امیرالمؤمنین^(ع) نیز اشاره شد، مؤمن کسی است که دیگران از بابت وجود او ناراحت نشوند. با ساده‌ترین کارها می‌توان موجب آزار و اذیت دیگران شد؛ با بیان کلامی نابجا و اظهارنظری ناروا. پس چه بهتر که از حرف‌زدنمان کم کنیم و بیشتر به دنبال تأمل و یادگرفتن از دیگران باشیم.

ارتباطی مثبت بین شکوفایی یک ایده در ذهن و بارورشدن فکر، با سکوت و تأمل وجود دارد؛ دلیل آن هم روشن است، زیرا زمان زیادی از روز و شب ما صرف گفت‌وگوهایی می‌شود که به نتیجه درخور اعتنایی نمی‌رسند. مهارت فکرکردن و ارزیابی داده‌ها در ذهن انسان، در بین کلام و سخنان بیهوده از میان می‌رود؛ اما وقتی که ما با طمأنینه و صبر درباره بیان کلام و سخن خود برخورد می‌کنیم، این مهارت متمرکز می‌شود و قوه ارزیابی، فکر و اندیشه ما به کار می‌افتد.

از اثرات سکوت موارد دیگری را می‌توان بیان کرد. در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) می‌خوانیم: «مردی نزد آن حضرت آمد (و طالب سعادت و نجات بود). پیغمبر^(ص) فرمودند: آیا تو را به چیزی راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن تو را وارد بهشت می‌سازد؟ عرض کرد آری ای رسول خدا! سپس دستور به انفاق و یاری مظلوم و کمک از طریق مشورت فرمودند و بعد دستور به سکوت دادند و فرمودند: فاصمت لسانک الا من خیر، سکوت اختیار کن جز از نیکی‌ها، و در پایان افزودند: هرگاه یکی از این صفات در تو باشد، تو را به سوی بهشت می‌برد، به جز وقار و آرامشی که ساکت‌بودن به شما می‌دهد، طبق توصیه پیامبر^(ص) سکوت سبب نجات از بسیاری از گناهان می‌شود و کلید ورود به بهشت است.

نه تنها بزرگان ادبی و علمای دینی ما درباره گزیده‌گویی و سکوت توصیه کرده‌اند، بلکه عارفان اسلامی نیز به آن تأکید دارند. در کتاب «تذکرة الاولیا» از بایزید بسطامی نقل شده است: «چراغی روشن‌تر از خاموشی ندیدم و سخنی به‌ای‌بی سخنی نشنیدم. ساکن سرای سکوت شدم و صدره صابری در پوشیدم.» صبر در مقابل هر سختی و شدتی که به ما وارد می‌شود و بنای ناله و شکایت بردن داشتن، از انسانی برمی‌آید که با خودش خلوت دارد و به احوال خودش آگاه است. صبر و سکوت مانند دو پال هستند برای پرواز انسان به‌سوی بهترشدن شخصیت و رشد اندیشه‌اش. باترین ساکت‌بودن در روز، می‌توانیم از نتایج بسیاری که برای سکوت بیان شده‌است، برخوردار شویم. فقط کافی است مدتی این کار را تمرین کنیم و بعد نه تنها یک عادت خوب برای خودمان به‌دست آورده‌ایم، بلکه در زندگی اطرافیان خود هم اثر گذاشته‌ایم.

بردار و بخوان

خدا مال همه است

گفت‌وگو و رازونیا با خالق هستی در ادبیات ما سابقه‌ای طولانی دارد. به غیر آنکه بشر از اولین لحظه ورودش به زمین شروع به گفت‌وگو با خدای خود کرده و کلمه راه تسکین و آرامش او بوده. ادعیه و اذکار نیز در واقع گفت‌وگوی از سر صدق و خلوص انسان‌ها با خدای متعال است. در بسیاری از مناجات‌ها می‌خوانیم که چطور انسان از درد دوری و فراق پروردگار خویش داد غربت و تنهایی سر می‌دهد. در متون دینی ما نیز حتی به نحوه رازونیا کردن و درخواست کردن از خدای متعال توجه شده است و آن را در واقع آموزش باورهای راستین خود دست به قلم شده‌اند و نویسندگان و شاعران نیز باتوجه به باورهای راستین خود دست به قلم شده‌اند و گفت‌وگوی خود با معبود هستی را نوشته و در دسترس عموم قرار داده‌اند. امروز به معرفی کتابی می‌پردازیم که در آن نویسنده نام‌آشنای معاصر با خدای متعال رازونیا کرده است.

سید مهدی شجاعی سال‌هاست به‌عنوان نویسنده بخشی از زیباترین نثرهای ادبی و شورانگیز در حوزه ادبیات دینی در ایران شناخته می‌شود. نثرهایی ساده و البته عاشقانه که بسیاری از آن‌ها دهه‌هاست در میان نسل جوان به‌عنوان آثاری جدایی‌ناپذیر از زندگی و احساس آن‌ها به‌شمار می‌آیند و تجدید چاپ‌های متعدد آن نیز گواهی بر این مدعاست. او به تازگی کتابی را در همان گونه نثرهای غیبه‌برانگیز قدیمی خود و با عنوان «خدا مال همه است، روانه بازار کتاب کرده است. «خدا مال همه است» مجموعه مناجات‌های کوتاه و ساده سیدمهدی شجاعی است که در موضوعات مختلف نوشته شده است.

ساختار متنی این مناجات‌ها دعای کننده حس دعباری مخاطب آن است و شجاعی با تکیه بر صفات رحمانیت عام خداوند در عالم هستی و تعمیم آن به ساختارهای مختلف زندگی انسان، دعاواری کوتاهی را نوشته است که برای طیف وسیعی از مخاطبان شنیدنی و خواندنی است.

یکی دیگر از نکات قابل توجه متن این اثر را باید زبان بسیار ساده و روان برای روایت دانست. نویسنده همان‌طور که در عنوان این اثر بیان کرده است، معتقد است همه از وجود خداوند برخوردارند و در نگارش متون دعاوار خود در این کتاب نیز تلاش کرده است زبان و بیان و حسن‌را انگیزی و توصیفی را به کار ببرد که در تمنای بهره‌مندی از جرعه‌های رحمانیت عام پروردگار است. از سوی دیگر، نویسنده در خلق این عبارت در کنار توجه به این مسئله سعی کرده است تمایلات و نیات خودش در دعا را به شیوه‌ای بازگو کند که نیازها و درخواست‌های عام بسیاری از مخاطبان جامعه انسانی را شامل شود و خواندن آن‌ها از سوی هر طیفی از مخاطبان بتواند نمایشگر بخشی از تمنای آن‌ها در مواجهه با پروردگارشان باشد.

شجاعی همچنین تلاش کرده است ساختار کلاسیک دعا و نیز به کارگرفتن عبارات و اصطلاحات خاص برای ادای آن را در این متن مدنظر قرار دهد و از این حیث نیز نیاز مخاطبان را برآورده سازد. انتشارات کتاب‌نیستان، «خدا مال همه است» را چاپ و منتشر کرده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم: «خدا مال همه است. مال من، مال شما، مال کلیک ما و شما. خدا نمایندگی انحصاری ندارد. خدا به تعداد آدم‌ها در زمین شعبه دارد. خدا تنها امکانی است که هیچ‌کس نمی‌تواند از من و شما بگیرد. خدا تنها دارای است که فقیران بیشتر از ثروتمندان دارند. خدا تنها ذخیره‌ای است که هیچ حکومتی نمی‌تواند مردم را از آن محروم کند یا توزیع آن را در اختیار خود بگیرد یا کوپنی و جیره‌بندی‌اش کند،

شماره

شماره ۱۴
۱۳ مهر ۱۳۹۷
شماره ۱۴۴۸

۱۴



معارف

مروری بر چند ویژگی اخلاقی که در روز قیامت به کار می‌آیند

کلیدهایی که درهای بسته را باز می‌کند

حمیده ذاکری^(۱) برای بسیاری از مسلمانانی که وجود پیامبر اکرم^(ص) را درک نکرده‌اند، محسورشدن با وجود متبرک ایشان در روز قیامت آرزوست. پیامبر اسلام^(ص) که تجسم کاملی از مهربانی و محبت‌اند، برای مسلمانان راستین راه‌حلی بیان کرده‌اند. در حدیثی از ایشان می‌خوانیم که با چه اعمالی می‌توانیم به این آرزو دست پیدا کنیم تا در روز قیامت که بیشترین کمک و رحمت را در آن روز نیاز داریم، بتوانیم به پیامبر مهربانی‌ها نزدیک شویم. در ادامه مشروحی از تفسیر این حدیث را که رهبر معظم انقلاب بیان کرده‌اند، آورده‌ایم.

صفات اخلاقی محبوب پیامبر^(ص)

در قرآن مجید و روایات اسلامی اعمال خیر بسیاری بیان شده است، حدیث مورد بحث ما چند عمل را به‌عنوان اعمال خیری که موجب می‌شود در روز قیامت به پیامبر^(ص) نزدیک شویم، بیان می‌کند: «أَقْرَبُكُمْ غَدَاً مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ. وَ أَذَاكُمْ لِلْأَعَانَةِ. وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ. وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً. وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ» نزدیک‌ترین شما به من در فردای موقف قیامت، راستگوترین در سخن، امانت‌دارترین، پایبندترین به پیمان، خوش‌اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است. (الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۰۱).

اینکه پیامبر اسلام^(ص) از میان همه اعمال خیر این چند مورد را انتخاب فرموده‌اند، جای تأمل و تفکر دارد. در نگاه اول انجام هر کدام از این موارد به‌نظر ساده می‌آید و حتی مواردی هستند که در بسیاری از آیین‌ها بدان‌ها تأکید شده است؛ اما عمل به آن‌ها و تشخیص مصادیق آن‌ها در زندگی شاید کار سختی باشد. غفلت‌نکردن از خود و گرفتار عادات نشدن می‌تواند برای پیاده کردن سبک زندگی اسلامی و اخلاقی راه‌گشا باشد.

امانت‌داری

به هم‌بی‌اعتماد و دروغگو باشند، سنگ روی سنگ اصطلاحا بند نمی‌شود. در این قسمت از حدیث برای ویژگی افرادی که می‌توانند به پیامبر^(ص) برای ویژگی شوند، به‌عنوان اولین مورد آمده است ادای دین. رهبر معظم انقلاب در تفسیر این فراز از حدیث بیان کرده‌اند: «آن‌کسی که بیشتر از همه ادای امانت می‌کند؛ که مکرر عرض کرده‌ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما دست بنده بسپرید، بنده آن را به شما برگردانم؛ این یکی از انواع امانت است. همه آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپرنند، امانت‌های مردم است؛

راستگویی

بسیاری از آیات قرآن در توصیف روز قیامت و احوال بندگان و هول‌روز رستاخیز نازل شده‌اند و در بسیاری از متون ادبی نیز ذکر شده است انسان در آن روز دنبال راه نجات و پناهگاهی برای خود می‌گردد. در شرح قسمت اول این حدیث، رهبر معظم انقلاب بیان می‌کنند: «این روایت می‌گوید وسیله‌ای که شما بتوانید با آن، خودتان را نزدیک پیغمبر بکنید، چیست؟ آن را دارند به ما یاد می‌دهند. اینجا دار عمل است، آنجا دار نتیجه است. اینجا یک کارهایی را به ما یاد داده‌اند، گفته‌اند این کارها را انجام بدهید که اگر این کارها را اینجا در این دوره کوتاه- کوتاه است دیگر، این دنیا یک لحظه‌ی از عمر ابدی است. یک لحظه است؛ نود سال، صد سال اگر کسی عمر کند، یک لحظه است در مقابل آن عمر ابدی عالم آخرت- انجام دادیم، اگر در این یک لحظه انسان این چیزها را رعایت بکند، در آن موقف دشوار به دردش می‌خورد. حالا این‌ها چیست؟ چند مورد را ذکر کرده‌اند. خود حضرت فرمودند: أَقْرَبُكُمْ غَدَاً مِنِّي» نزدیک‌ترین شما به من[. فِی الْمَوْقِفِ- یعنی در قیامت- اول این [فرد] است: أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ؛ آن‌کسی که راستگوتر است. در حرف‌زدن راستگوست. آنچه می‌گوید از روی صدق بیان می‌کند؛ دروغ و تهمت و شایعه و حرف ضعیف و قول به غیر علم و مانند این‌ها در آن نیست. «صدق» یعنی انطباق با واقع. آنچه را واقع است- که او می‌داند واقع است- بیان می‌کند، أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ.»

مقام را به ما می‌سپرنند، امانیت را به ما می‌سپرنند، نشان را به ما می‌سپرنند، حفظ نوامیسشان را به ما می‌سپرنند؛ همه این چیزها امانت‌های مردم دست ماست. ما حکومتیم دیگر، هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام سبک زندگی است؛ همه این‌ها امانت‌هایی است که دست ما سپرده است؛ ادای امانت. هر کدام بهتر ادای امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک‌تر است و امنیتتان بیشتر است.»

خوش اخلاقی

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «یکی از چیزها هم این است که خوش‌اخلاق باشید؛ بد اخلاق و عبوس [بودن] و [اینکه] در خانه یک جور، در محل کار یک جور، با مردم یک جور، با تکبر، با اوقات تلخی [رفتارکردن]، خیلی بد است. آن کسانی که «أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً» هستند آنجا نزدیک‌ترند، همان‌طور که در شرح این فراز از حدیث خواندید، حسن خلق و محبت‌کردن به دیگران یکی از راه‌های نزدیک‌شدن به پیامبر^(ص) معرفی شده است و این توجه به این مورد در باورهای اسلامی دور از ذهن نیست که پیامبر بزرگ اسلام^(ص) به محبت و مکارم اخلاق معروف بوده‌اند.

وفای به عهد

درباره شاخصه بعدی یعنی وفای به عهد باید گفت که این امر لازمه بقای اجتماعی ما به‌عنوان افرادی اجتماعی است. اگر انسان به قراردادهای خود متعهد نباشد، اساس زندگی اجتماعی‌اش متزلزل می‌شود و رهبر معظم انقلاب در توضیح این موضوع بیان کرده‌اند: «پیمان‌های فردی و اجتماعی، وفای به این عهد‌ها بکنید؛ که البته مهم‌ترین پیمان‌های اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است].» خب این چیزهایی که حالا امروز فرنگی‌ها یاد گرفته‌اند می‌گویند «حقوق شهروندی»، ماها هم از این‌ها می‌خواهیم یاد بگیریم؛ حرف‌هایی که در روایات ما و در قرآن ما هست، حالا ما داریم از غربی‌ها این‌ها را [یاد می‌گیریم]! خب اینجا دارد می‌گوید «أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ»؛ عهد، یعنی قرارداد. آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی می‌کنید، یک قراردادی با هم بسته‌اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی می‌کنند؛ این‌ها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده‌اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند.»

مردم‌داری

فرقی نمی‌کند در چه دوره و زمانه‌ای زندگی کنیم. همه ما می‌توانیم با هر سطح از برخورداری دچار آفات مثل تکبر و غرور شویم. اینکه خود را از این موارد دور نگاه داریم و با همه مردم یکسان برخورد کنیم، از ویژگی‌هایی است که پیامبر^(ص) در این حدیث بیان کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب در شرح این حدیث آورده‌اند: «مردمی‌بودن. ببینید، سبک زندگی اسلامی این‌هاست. «مردمی‌بودن. ببینید، «مردمی‌بودن» هم از حرف‌هایی است که حالا متجددین و مانند این‌ها فکر می‌کنند که از دیگران یاد گرفته‌اند؛ نه، این‌ها در روایات ماست. مردمی باشید، با مردم باشید. معنای با مردم‌بودن این نیست که فرض کنید انسان به چهار نفر از طبقه ممتاز به بگوید این‌ها مردم‌اند، نه، یعنی توده مردم، طبقات پایین مردم، عامه مردم، با این‌ها باشید. بین این‌ها باشید، مثل آن‌ها زندگی کنید، در حد آن‌ها زندگی کنید، پیش آن‌ها تواضع کنید؛ این‌ها معنای مردمی‌بودن است.»

